

السلامة
الحسن

گزارش رصد فرهنگی

(۷۳)

گزارش رصد بین‌الملل

(۱۳)

ما و اعتراضات دانشجویی در آمریکا

مرکز رصد فرهنگی کشور

اردیبهشت ۱۴۰۳

ناشر: مرکز رصد فرهنگی کشور
عنوان: ما و اعتراضات دانشجویی در آمریکا
مدیر طرح: محمد اصغری
پژوهشگران: سید مصطفی موسوی، محمد اصغری، حسین اکبرزاده، محمدامین صبوری
طراح جلد: رضا زکی پور
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۳
شمارگان: برای مخاطبان خاص

این نسخه به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور تهیه شده است.

همه حقوق این اثر برای مرکز رصد فرهنگی کشور محفوظ است. در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، میدان بهارستان، خیابان کمال الملک، پلاک ۱۸، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، مرکز رصد فرهنگی کشور
صندوق پستی: ۴۳۵۷-۱۱۱۵۵ تلفن: ۰۲۱۳۳۹۶۰۵۰۵ دورنگار: ۳۳۹۰۱۲۴۲

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۸.....	دانشگاه کلمبیا و نقطهٔ خیزش
۱۲.....	واکاوی انتقادی تحصن‌های دانشگاهی آمریکا
۱۳.....	پروگرسوها
۱۴.....	تحلیل افراد شاخص و پیشینه گروه‌های سازمان‌دهنده
۲۷.....	گروه‌های سازمان‌دهنده اصلی تحصن
۳۴.....	دپاسپورای فلسطینی
۳۶.....	مسلمانان آمریکایی
۳۹.....	دانشجویان خاورمیانه‌ای
۳۹.....	چپ‌های محور مقاومتی
۴۰.....	شبکه ارتباطی حماس
۴۱.....	لابی قطری اخوانی
۴۲.....	خرده جریان‌های راست افراطی
۴۵.....	ما و اعتراضات دانشجویی در آمریکا

مقدمه

برای فهم ریشه‌های اعتراضات دانشجویی اخیر در آمریکا، بیش از هر چیزی نیازمند آشنایی با بافتار اعتراض‌های اجتماعی در ایالات متحده و ساختار مهندسی اجتماعی جنبش‌های مدنی آمریکایی هستیم. از سویی دیگر باید به ریشه‌های شکل‌گیری و تطور مسئله فلسطین در افکار عمومی آمریکایی توجه نمود. قدر مسلم آنچه در ۷ اکتبر واقع شد را باید آغاز بازنگری جهان غرب و خاصه ایالات متحده آمریکا در مسئله نزاع فلسطین - اسرائیل در نظر گرفت؛ امری که تجلی آن را به‌خوبی می‌توان در اعتراضات جوانان آمریکایی در حمایت از مردم غزه و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی مشاهده کرد. این مخالفت‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم پروپاگاندا‌ی رسانه‌های آمریکایی وابسته به گفتمان حاکمیت، قشر جوان مسیر دیگری را در پیش گرفته است. جوانانی که بناست آینده سیاسی آمریکا را به دست بگیرند و همین است که ترس را لاقلاً در بین بخشی از رجال سیاسی آمریکا کاشته است. این تحصن‌های نخبگانی در انتقاد از سیاست‌های دولت آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی، به‌مثابه زنگ خطری است برای مسئولین آمریکایی و اسرائیلی؛ چراکه در صورت قدرت‌گیری این طبقه، آمریکا و اسرائیل را به‌مانند دو خط موازی بدل خواهد کرد.

نسل جدید آمریکا که با گسترش شبکه‌های اجتماعی و فعالیت چشمگیر بلاگرهای فلسطینی مواجهه‌ای بی‌واسطه با واقعیت حاکم بر سرزمین فلسطین را تجربه می‌کند، حقیقت را دیگرگون یافته است. حقیقتی که ایشان را در جهت تحقق آزادی سرزمین فلسطین ولو از جغرافیایی بسیار دور اما استراتژیک و بیخ گوش تصمیم‌سازان استمرار اشغالگری، به کنش واداشته است. به‌نوعی می‌توان گفت، جنبش جوانان آمریکایی در نقطه آغاز مبارزه برای فلسطین و آزادی آن قرار دارد. اما با این حال بیم‌های عمیقی نیز پیش روی این جریان است. گزارش پیش روی در تلاش است تا با اجتناب از گزاره‌های رمانتیزه و کلی، در مروری کوتاه، نگاهی پژوهشی و عمیق‌تر به تحولات اخیر در دانشگاه‌های آمریکا انداخته و از این

رهگذر به فهم نسبت میان ما، به‌مثابه انقلاب اسلامی و مردم ایران، با این اعتراضات دست یابد. این پژوهش مشتمل بر بررسی سیر زمانی تحولات، تحلیل انتقادی نیروهای فعال در این اعتراضات، ریشه‌های نگاه آمریکایی به فلسطین و درنهایت ارائه راهبردهای مواجهه با این اعتراضات است.

دانشگاه کلمبیا و نقطه خیزش

با آغاز نبرد طوفان الاقصی، تجمعات و راهپیمایی‌های گسترده‌ای در محوطه دانشگاه‌های بزرگ آمریکا مانند هاروارد، کلمبیا، استنفورد، ماساچوست و... در حمایت از فلسطین شکل گرفت. در مقابل، رجال سیاسی آمریکا که مثل همیشه با استفاده از حربه «یهودستیزی» هرگونه ندای مخالف‌خوان رژیم اسرائیل را سرکوب می‌کنند، این بار نیز با فشار آوردن به رؤسای دانشگاه‌های مذکور، فضا را برای تداوم فعالیت‌های حمایتی از فلسطین در دانشگاه‌ها دشوار کردند. جرد کوشنر مشاور سابق دونالد ترامپ در اظهار نظر جالب توجهی چنین گفت: من به‌عنوان یک یهودی در عربستان سعودی احساس امنیت بیشتری می‌کنم تا دانشگاه کلمبیای آمریکا. این امر خود نشان‌دهنده دامنه اثرگذاری این قبیل رویدادها بر فضای سیاسی ایالات‌متحده آمریکا است. از سویی دیگر بروز این قبیل رویدادها و به‌موازات آن سرکوب دانشجویان از سوی مسئولین دانشگاه و نیروهای امنیتی، به‌طورکلی میزان اعتماد به دانشگاه‌ها را در میان دانشجویان آمریکایی کاهش داده است.

در این میان، دانشگاه کلمبیا که از هفته ابتدایی جنگ شاهد حرکت‌های حمایتی دانشجویان از فلسطین بوده است، در شیوه مواجهه با این قبیل رویدادها چالش‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. از پنجشنبه ۱۸ آوریل ۲۰۲۴ مصادف با ۳۰ فروردین، دانشگاه کلمبیا به مرکز توجه تمامی جنبش‌های دانشجویی حامی فلسطین در سراسر ایالات‌متحده آمریکا تبدیل شده است. امری که نشان می‌دهد در میان بخش معتنا‌های از دانشگاهیان آمریکا اجماعی نسبی در مورد تحریم آکادمیک رژیم اسرائیل - به‌عنوان مطالبه اصلی دانشجویان آمریکایی - در حال شکل‌گیری است.

۱۳ اکتبر موج تظاهرات گسترده در دانشگاه کلمبیا آغاز شد. «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» و «ندای یهود برای صلح» دو گروهی بودند که دانشجویان را در صحن اصلی دانشگاه سازمان‌دهی کرده و در حمایت از فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی شعار سر دادند. گروهی دیگر از دانشجویان نیز با صف‌آرایی در مقابل حامیان فلسطین، پرچم اسرائیل را

به دور خود پیچیده بودند و با در دست داشتن پلاکاردهایی مانند «خوشحالی از قتل و تجاوز به مردم ما را متوقف کنید» اعتراض خود را به این تجمع حمایتی ابراز کردند. آنچه بیش از پیش حامیان اسرائیل را نسبت به این تجمع معترض کرده بود، بیانیه گروه «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» بود که طی آن حمله حماس را به مثابه یک پیروزی تاریخی معرفی کرده بودند. آغاز جنبش‌های دانشجویی در آمریکا چالش‌های جدی‌ای را برای مسئولین دانشگاه به بار آورد. علاوه بر فشارهایی که از جانب کنگره و کاخ سفید بر رؤسای هر کدام از دانشگاه‌ها وارد می‌شد، عده‌ای از حامیان مالی برخی از این دانشگاه‌ها مانند هاروارد و پنسیلوانیا کمک‌های خود به ایشان را متوقف کردند.

این تظاهرات ادامه پیدا کرد تا بالاخره تظاهرات ۱۱ نوامبر در دانشگاه کلمبیا، سبب شد تا ریاست دانشگاه در قبال دو گروه اصلی سازمان‌دهنده تظاهرات یعنی «دانشجویان برای عدالت در فلسطین»^۱ (SJP) و «ندای یهود برای صلح» موضع قاطعی اتخاذ کند. ریاست دانشگاه تصمیم گرفت تا پایان سال تحصیلی، تمامی فعالیت‌های این دو گروه در دانشگاه به حالت تعلیق درآید چراکه رفتار ایشان خلاف قواعد دانشگاه به شمار می‌آید. دو گروه دانشجویی مذکور نیز در واکنش به این تصمیم دانشگاه، اعلام کردند که هیچ کدام از فعالیت‌های ایشان خلاف قواعد دانشگاه نبوده و اقدامات ریاست دانشگاه در جهت ارباب و کنترل دانشجویان است.

به موازات این درگیری‌ها، دانشجویان حامی اسرائیل دانشگاه کلمبیا نیز ساکت ننشستند و با نوشتن بیانیه‌هایی علیه برخی از اساتید حامی فلسطین، ایشان را یهودستیز خواندند و از مسئولین دانشگاه اخراج ایشان را طلب کردند. باین حال، پس از فرسایشی شدن جنگ غزه و همچنین کاهش تنش‌ها در دانشگاه کلمبیا، آتش اعتراضات فروکش کرد. البته این به معنای عدم برگزاری تجمعات یا راهپیمایی در دانشگاه کلمبیا پس از این تنش‌ها بود؛ اما دامنه آن‌ها محدودتر شد.

با زرمه‌های برنامه‌ریزی اسرائیل برای حمله به رفح، بار دیگر جنبش‌های دانشجویی در دانشگاه‌های آمریکا با محوریت دانشگاه کلمبیا دست‌به‌کار شدند. روز ۱۷ آوریل، گروه «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که دانشجویان دانشگاه کلمبیا از ۴ صبح امروز در صحن اصلی دانشگاه برای ابراز همبستگی با مردم غزه تحصن خواهند کرد. در ادامه این بیانیه آمده است: ما خواستار عدم سرمایه‌گذاری و پایان دادن به

۱. Students for Justice in Palestine

همدستی دانشگاه کلمبیا در نسل‌کشی غزه هستیم. نکته جالب‌توجه در این بیانیه، قرار دادن تصویر تجمع دانشجویان دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۶۸ در اعتراض به جنگ ویتنام در کنار تصاویر خیمه‌های برپا شده در محوطه دانشگاه در صبحگاه ۱۷ آوریل ۲۰۲۴ بود.



تصویر ۱: اعتراضات دانشگاه کلمبیا از ۱۹۶۸ تا ۲۰۲۴

پنجشنبه، ۱۸ آوریل بود که به دستور ریاست دانشگاه نعمت مینوش شفیق، نیروهای پلیس نیویورک وارد محوطه اصلی دانشگاه شدند و بیش از ۱۰۰ نفر از دانشجویان را دستگیر کردند. در میان دستگیرشده‌ها، دختر إلهان عمر نماینده مسلمان کنگره آمریکا نیز به چشم می‌خورد. کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش به دستگیری او، فیلم پرسش‌های إلهان عمر از رئیس دانشگاه کلمبیا در صحن کنگره را که مربوط به دسامبر سال پیش بود، بازنشر کردند. این اتفاق خشم دانشجویان را برانگیخت و به واکنش گسترده سایر دانشگاه‌های آمریکا در حمایت از دانشجویان دستگیرشده منجر شد.

رخداد ۱۸ آوریل در اراده تظاهرکنندگان خللی وارد نکرد. روز بعد از سرکوب دانشجویان، یعنی جمعه ۱۹ آوریل، دانشجویان حامی فلسطین در خارج از محوطه اصلی دانشگاه، دست به

تجمع گسترده زدند و مجدداً حمایت‌های بی‌چون‌وچرای خود را از فلسطین نشان دادند. همچنین شعارهایی را علیه ریاست دانشگاه و سرکوب دانشجویان سر دادند. نکته حائز اهمیت در این تظاهرات علاوه بر همبستگی با مردم و مقاومت فلسطین و محکومیت اسرائیل، مطالبه دانشجویان برای لغو همکاری‌های دانشگاه کلمبیا با دانشگاه تل‌آویو و سایر مؤسسات علمی اسرائیلی بوده است.

پس از دستگیری دانشجویان دانشگاه کلمبیا، حامیان فلسطین در دانشگاه ییل و هاروارد نیز تظاهرات گسترده‌ای را در حمایت از مردم فلسطین و همچنین دانشجویان دستگیر شده دانشگاه کلمبیا به راه انداختند. در روز ۲۲ آوریل نیز جمع دیگری از دانشجویان کلمبیا، بار دیگر در محوطه اصلی دانشگاه خیمه‌های اعتصاب را برپا کردند. دانشگاه کلمبیا این بار از دو محور تحت فشار دانشجویان حامی فلسطین قرار گرفت؛ هم دانشجویان اعتصاب‌کننده در صحن دانشگاه و هم دانشجویانی که جلوی درب ورودی دانشگاه تجمع کرده بودند.

مصادف با ۲۳ آوریل، شورای انتخابات دانشگاه کلمبیا اعلام کرد که در همه‌پرسی‌ای که در خصوص تعامل دانشگاه با مراکز علمی اسرائیلی برگزار کرده است، از ۲۰۱۳ دانشجوی شرکت‌کننده ۴۰,۲۶٪ به خارج کردن سرمایه‌گذاری‌های مالی دانشگاه از اسرائیل، لغو «مرکز جهانی تل‌آویو» و همین‌طور پایان برنامه مدرک دوگانه دانشگاه کلمبیا و دانشگاه تل‌آویو رأی مثبت دادند. البته این همه‌پرسی هیچ‌گونه تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های دانشگاه ندارد اما به‌مثابه دیدگاه دانشجویان محصل در دانشگاه قلمداد می‌شود.

پس از این همه‌پرسی سخنگوی دانشگاه چنین بیان کرد: دانشگاه کلمبیا خانه همه دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی و کارمندان اسرائیلی است و همچنین ما از برنامه مدرک‌های دوگانه با دانشگاه تل‌آویو نهایت استفاده را خواهیم کرد. در چنین شرایطی، با افزایش شکاف میان بدنه دانشجویی دانشگاه‌های آمریکا با دولت و همچنین مسئولین دانشگاه، به نظر می‌رسد باید به‌زودی شاهد بروز هرچ‌ومرغ‌های گسترده‌ای در فضای آکادمیک آمریکا باشیم. از سویی با دانشجویانی مواجهیم که ذیل کمپین تحریم آکادمیک اسرائیل از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و در سوی دیگر میدان مسئولینی ایستاده‌اند که حمایت از اسرائیل در فضای آکادمیک را به‌نوعی وظیفه اصلی خود می‌انگارند. باید منتظر ماند و دید که در چنین شرایطی چه کسی پیروز نهایی میدان خواهد بود.

واکاوی انتقادی تحصن‌های دانشگاهی آمریکا

در جریان اعتراضات اخیر دانشجویی در آمریکا، نمی‌توان با تحلیلی کل‌گویانه و تریسمی رمانتیزه و اردوگاهی، به تصویری روشن از وضعیت اعتراضات رسید. در این تحولات شاهد برهم‌کنش اراده‌های مختلف سیاسی و گردهم‌آمدن هویت‌های گوناگون و بعضاً متعارض حول مساله فلسطین هستیم. نگاه کمپیستی و جبهه‌بندی کلی، هرچند می‌تواند دارای کاربست تبلیغاتی باشد، اما مسلماً برای اتخاذ سیاست‌های کارا، چنین نگاهی ره به مقصد نمی‌برد و از این روی نیازمند واکاوی عمیق‌تری هستیم.

حمایت از فلسطین در ۷ ماه گذشته تبدیل به مصداق اتم هویت پروژه‌ای (The Project Identity) مورد نظر کاستلز شده است. «هویت پروژه» اشاره دارد به نهضتی که در ضدیت با نظام شبکه‌ای غالب، توانایی بسیج خرده فرهنگ‌های معترض (Resistance Identities) و درهم شکستن هنجارهای نظام شبکه‌ای غالب را داشته باشد. امروزه در آمریکا، نهضت حمایت از فلسطین تبدیل به گفتمانی نمادین شده که متحدکننده طیفی عجیب از گروه‌های سیاسی سابقاً متعارض همچوم چپ ضد امپریالیست، راست ناسیونالیست غیر صهیونیستی و جمعیت رو به افزایش دایاسپورای جوان عربی و اسلامی شده است.

در جریان اعتراضات دانشجویی اخیر در آمریکا، مشخصاً می‌توان از ۸ جریان مختلف نام برد:

۱. پروگرسوهای دموکرات؛
۲. دایاسپورای فلسطینی؛
۳. مسلمانان آمریکایی؛
۴. دانشجویان خاورمیانه‌ای؛
۵. چپ‌های محور مقاومتی؛
۶. شبکه ارتباطی حماس؛
۷. لابی قطری اخوانی؛
۸. خرده‌جریان‌های راست افراطی.

هر کدام از این جریان‌ها با استفاده از ظرفیت‌های تبلیغاتی، سیاسی و میدانی خویش، در جریان موج جدید تحولات دانشجویی در آمریکا موثر بوده‌اند. در تحلیل سهم هرکدام از این جریان‌ها، باید به بازنمایی‌های سوگیرانه رسانه‌های حامی اسرائیل از سوی و شبکه‌های ادراک‌ساز حامیان متلون فلسطین التفات داشت. پرواضح است که بخشی از رسانه‌های صهیونیستی راغب هستند تا به منظور دامن زدن به ایران‌هراسی و انکار ریشه‌های خودبنیاد

موج حمایت از فلسطین، کل اعتراضات اخیر را متأثر از دخالت‌های جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به ایران بازنمایی کنند. از سویی دیگر اغراق‌گویی‌های برخی رسانه‌های حامی فلسطین نیز مانع از دیدن اراده‌های معطوف به قدرت در پی‌رنگ این تحصن‌ها می‌شود. در ادامه به بررسی نقش هر کدام از این جریان‌ها می‌پردازیم.

پروگرسوها

تحصن دانشجویی در آمریکا اولین بار در دانشگاه کلمبیا شروع شد. دانشجویان در تاریخ ۲۹ فروردین ساعت ۴ صبح به وقت محلی شروع به برپایی چادرهایی در محوطه دانشگاه نمودند. تصمیم مسئولین دانشگاه و مقامات انتظامی مبنی بر برخورد پلیس با دانشجویان، باعث انعکاس گسترده این تحصن در رسانه‌ها و همچنین انتشار تحصن‌های دانشجویی به رهبری تشکل SJP در بسیاری از دیگر دانشگاه‌های آمریکا شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تحصن دانشجویان در دانشگاه کلمبیا، تا به امروز نقش هدایت‌گر اعتراضات را داشته است و در مرکز توجه رسانه‌ها و فعالین قرار دارد.

بی‌شک، انتشار این‌گونه تصاویر و گسترش تحصن‌های دانشجویی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی، موجب افزایش توجه به مسئله فلسطین و تضعیف بیش‌ازپیش جایگاه رژیم صهیونیستی در افکار عمومی جهانی شده است. باین‌وجود، پرداخت غیرمنتظره رسانه‌های آمریکایی به آن و نقش بعضی افراد و بنیادهای مالی در سازمان‌دهی اعتراضات، یادآوری پیچیدگی‌های محیط اجتماعی/فرهنگی آمریکا را لازم می‌کند. متأسفانه شاهد آن هستیم که علیرغم ملاحظات مرتبط به این‌گونه تحولات اجتماعی در آمریکا، بعضاً هیجانانگیز و طرح‌واره‌های خام ذهنی تحلیل‌گران، بر فهم متن حوادث غلبه می‌کند. این‌گونه سوگیری‌ها می‌تواند منجر به اشتباهاتی جدی در برآورد نهضت جهانی حمایت از فلسطین و نقش آن در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی شود.

به همین دلیل، در ادامه تلاش شده به‌صورت بسیار خلاصه و به‌دوراز هرگونه سوگیری در تحلیل، نتیجه بررسی‌های تفصیلی انجام‌شده در مورد پیشینه سازمان‌دهندگان اعتراضات که وابسته به جناحی خاص در آمریکا هستند، ارائه شود و سپس با مرور بعضی چارچوب‌های کلی تحولات سیاسی/اجتماعی آمریکا، به جمع‌بندی نسبت جریان پروگرسو با اعتراضات اخیر و اراده‌های سیاسی موثر در این روند تحولات پرداخته شود.

تحلیل افراد شاخص و پیشینه گروه‌های سازمان‌دهنده

در این قسمت سعی می‌شود مروری خلاصه از افراد شاخص شرکت‌کننده و حامی اعتراضات و پیشینه گروه‌های سازمان‌دهنده، ارائه شود.

فهرست زیر، شامل افراد شاخصی است که در ایام اولیه اعتراضات به‌صورت حضوری در اعتراضات شرکت کرده‌اند (دعوت‌شده توسط برگزارکنندگان):

۱. ایلهان عمر^۱



تصویر ۲: ایلهان عمر، نماینده کنگره

وی نماینده کنگره آمریکا از شهر مینه‌سوتا است. او یک سیاست‌مدار زاده سومالی و دارای تابعیت ایالات‌متحده آمریکا است. ایلهان عمر در سومالی در خانواده‌ای مسلمان زاده شده و در سال ۱۹۹۰ در جریان جنگ‌های داخلی سومالی از این کشور مهاجرت کرد و پیش از مهاجرت به آمریکا مدت چهار سال در یک اردوگاه پناهندگان در کنیا زندگی می‌کرد. ایلهان در سال ۲۰۱۶ عضو مجلس نمایندگان مینه‌سوتا شد و اولین آمریکایی-سومالیایی بود که به عضویت این مجلس درمی‌آمد. در ششم نوامبر ۲۰۱۸ او در انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا، برنده شد و از حوزه انتخابیه پنجم مینه‌سوتا به مجلس راه یافت و اولین آمریکایی-سومالیایی شد که به این مجلس راه می‌یابد. عمر اولین زن باحجاب، اولین زن پناهجو و به همراه رشیده طالب نخستین نماینده زن مسلمان مجلس نمایندگان ایالات‌متحده آمریکا است. عمر در عین حال

۱. Ilhan Omarh

که گفتارهای ضداسرائیلی دارد، اما مشخصاً با برخی جنبش‌های ضدصهیونیستی مثل BDS اعلام مخالفت کرده است. در نهایت به دلیل مواضع اخیر، ایلهان عمر در رأی‌گیری پنجشنبه ۲ فوریه ۲۰۲۳، با رأی اکثریت جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان از کمیته روابط خارجی این مجلس اخراج شد. مجلس نمایندگان آمریکا با ۲۱۸ رأی موافق جمهوری‌خواهان و ۲۱۱ رأی مخالف دموکرات‌ها، عمر را از کمیته روابط خارجی این مجلس اخراج کرد. کاخ سفید در واکنش به این اقدام، اخراج عمر را «نمایشی سیاسی» خوانده است. از سویی دیگر جمهوری‌خواهانی که اخراج او را خواستار شدند، می‌گویند ایلهان عمر به خاطر مواضع «صلاحت عضویت در کمیته روابط خارجی را ندارد. دموکرات‌ها می‌گویند این تصمیم جمهوری‌خواهان، «انتقام‌جویی سیاسی» است.



تصویر ۳: ایلهان عمر

۲. اسرا هیرسی^۱

او فرزند ایلهان عمر است. وی به‌عنوان دانشجوی شرکت‌کننده در اعتراضات دانشجویی، در همان ساعات اولیه تحصن در یکی از کالج‌های وابسته به دانشگاه کلمبیا دستگیر شد. نکته قابل توجه درباره اسراء آن است که او از دوران دانش‌آموزی یکی از سازمان‌دهندگان اعتراضات آب و هوایی و ضدنژادپرستی بوده و بارها توسط نهادهای حقوق‌بشری و بنیادهای فرهنگی وابسته به حزب دموکرات، به‌عنوان نوجوان آینده‌دار و پیشرو قلمداد شده است.



تصویر ۴: اسراء هیرسی، فعال دانشجویی آمریکایی

۳. جمال باومن

جمال باومن^۲ یک سیاستمدار سیاه‌پوست آمریکایی و عضو حزب دموکرات در مجلس نمایندگان ایالات متحده است. او از سال ۲۰۲۱ نماینده کنگره ایالت نیویورک است. باومن قبلاً به‌عنوان معلم و مدیر مدرسه ابتدایی در منهن کار می‌کرد. او با شعارهای حمایت از آموزش عمومی، انرژی پاک و عدالت نژادی در انتخابات پیروز شد.

باومن از حامیان جنبش «زندگی سیاه‌پوستان مهم است»^۳ و از منتقدان نژادپرستی ساختاری در آمریکا است. او خواستار اصلاحات گسترده در نظام آموزشی و اجتماعی برای رفع نابرابری‌ها شده است. در کنگره، او عضو کمیته آموزش و کار، کمیته خدمات مالی و کمیته

۱. Isra Hirsi

۲. Jamaal Bowman

۳. Black Lives Matter

نگهبان بوده است. باومن یکی از پیشگامان ترویج دستور کار پیشرو و عدالت اجتماعی در حزب دموکرات به شمار می‌آید. باومن یکی از اعضای برجسته جناح پروگرسو یا چپ میانه در حزب دموکرات محسوب می‌شود.



تصویر ۵: جمال باومن در کنار رشیده طالب، نمایندگان کنگره

۴. الکساندریا اوکازو-کورتز

الکساندریا اوکازو-کورتز^۱ نیز یکی از چهره‌های شاخص و پرنفوذ جناح پروگرسو یا چپ میانه در حزب دموکرات آمریکا محسوب می‌شود. او در سال ۲۰۱۸ با پیروزی در انتخابات نماینده کنگره از حوزه انتخابیه برانکس نیویورک شد.

اوکازو-کورتز از حامیان سیاست‌های چپ‌گرایانه است، مانند:

- گسترش خدمات رفاه عمومی از جمله مراقبت‌های بهداشتی همگانی؛
- افزایش مالیات بر ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ؛
- اقدامات جدی برای مقابله با تغییرات آب و هوایی و انرژی‌های تجدیدپذیر؛

۱. Alexandria Ocasio-Cortez

- کاهش هزینه‌های تحصیلی و لغو بدهی وام دانشجویی؛
- اصلاحات در نظام مهاجرتی و حمایت از پناهندگان؛
- حق سقط‌جنین.

او در کنار افرادی چون جمال باومن، ایلهان عمر و رشیده طلیب از پیشگامان جناح چپ نوین در حزب دموکرات است که خواستار تغییرات ریشه‌ای در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.

اوکازویو-کورتز با دیدگاه‌های رادیکال و سبک کارزار انقلابی خود، به یکی از چهره‌های پرحاشیه و درعین‌حال محبوب در میان لیبرال‌های جوان آمریکایی تبدیل شده است.



تصویر ۶: الکساندریا اوکازویو-کورتز، نماینده کنگره



تصویر ۷: جناح قانون‌گذاران دموکرات پروگرسو

۵. کرنل وست

کرنل وست^۱ یک فیلسوف، نظریه‌پرداز، استاد دانشگاه، کشیش و فعال سیاسی آمریکایی است که از چهره‌های سرشناس جنبش حقوق مدنی در آمریکا محسوب می‌شود. او از منتقدان سرسخت نظام سرمایه‌داری، نژادپرستی و نابرابری در جامعه آمریکا است.

برخی از ویژگی‌ها و فعالیت‌های کرنل وست عبارت‌اند از:

- استاد فلسفه در دانشگاه‌های مختلف از جمله هاروارد، پرینستون و دانشگاه پاریس؛
- پیرو فلسفه پراگماتیسم و تفکر انتقادی با تأکید بر آزادی و عدالت اجتماعی؛
- از نظریه‌پردازان برجسته در حوزه مسائل نژادی و فلسفه سیاه‌پوستان آمریکایی؛
- حامی جنبش حقوق مدنی و مبارز علیه تبعیض نژادی؛
- منتقد جنگ عراق و سیاست‌های نئولیبرالی نهادهای مالی جهانی؛
- از حامیان سیاست‌های چپ‌گرایانه مانند بیمه درمانی همگانی و افزایش مالیات ثروتمندان؛

- از موافقان جنبش اشغال وال استریت و انتقادگر بی‌عدالتی اقتصادی.

وست که خود را یک سوسیالیست دموکرات می‌نامد، بارها به خاطر عقاید انتقادی‌اش هدف حملات محافظه‌کاران قرار گرفته است. او یکی از صداهای تأثیرگذار در جنبش‌های اجتماعی

۱. Cornel West

معاصر در آمریکا محسوب می‌شود. می‌توان گفت کرنل وست با اندیشه‌های رادیکال و چپ‌گرایانه‌اش، یکی از نمادها و نظریه‌پردازان مهم جناح پروگرسو در آمریکا محسوب می‌شود.



تصویر ۸: کرنل وست، آکادمیسین آمریکایی

۶. نجلا سعید

نجلا^۱ دختر ادوارد سعید، روشنفکر شهیر فلسطینی، است. او در خانواده‌ای عرب-آمریکایی در نیویورک بزرگ شده است. وی تجربه بازیگری و نویسندگی دارد. او یک نمایش تک نفره با عنوان «فلسطین» را روی صحنه برد که بازتاب تجربیات شخصی او به‌عنوان یک آمریکایی-عرب بود. همچنین وی کتاب خاطرات «در جستجوی فلسطین» را نوشته است که در واقع گسترش آن نمایش تک نفره است و به‌جای تاریخ و سیاست، روی داستان شخصی و احساسات متمرکز شده است و در کتاب از تجربیات دوران کودکی، رابطه با پدرش و سفرهای خانوادگی به خاورمیانه نوشته است. به نظر می‌رسد او نیز متعلق به طیف «پروگرسو» است.



تصویر ۹: نجلا سعید، دختر ادوارد سعید

۷. محمد الکرد

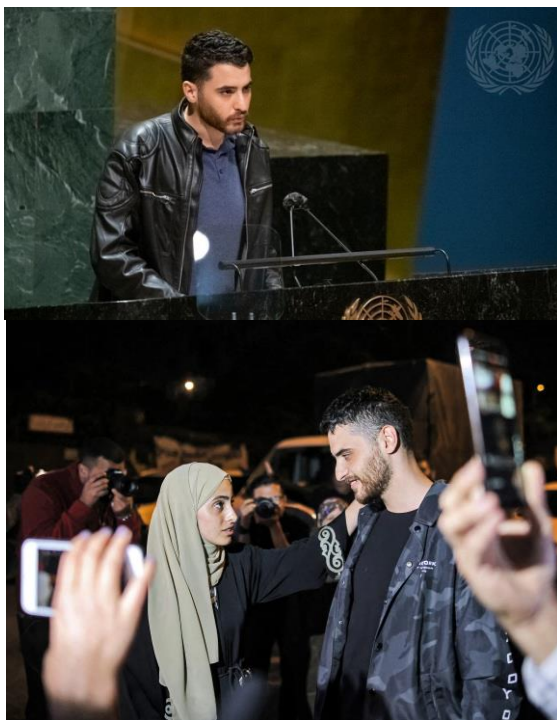
محمد الکرد^۲ یک فعال برجسته فلسطینی و از ساکنان محله شیخ جراح در قدس شرقی است که به خاطر مبارزات خود علیه اشغالگری و تخلیه خانواده‌های فلسطینی از این منطقه شهرت جهانی پیدا کرده است. محمد و خانواده‌اش یکی از خانواده‌های فلسطینی هستند که در معرض تخلیه اجباری از خانه‌هایشان در محله شیخ جراح توسط شهرک‌نشینان صهیونیست قرار گرفته‌اند. در اعتراضات گسترده سال ۲۰۲۱ علیه این تخلیه‌ها، الکرد با انتشار ویدیوها و گزارش‌های میدانی در شبکه‌های اجتماعی، صدای اعتراضات فلسطینیان را به جهان منتقل کرد. با افزایش محبوبیتش، او

۱. Najla Said

۲. Muhammad el-Kurd

به یک چهره نمادین مقاومت فلسطینی در برابر سیاست‌های اشغالگری اسرائیل تبدیل شد. رژیم اسرائیل بارها او را به اتهاماتی چون تحریک به خشونت و همکاری با گروه‌های فلسطینی متهم کرده است. با این حال، الکرد و خانواده‌اش همچنان از حقوق ساکنان اصلی فلسطینی قدس در برابر اشغالگران دفاع می‌کنند. او یکی از نمادهای جوان مبارزه مردم فلسطین برای آزادی سرزمینشان در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

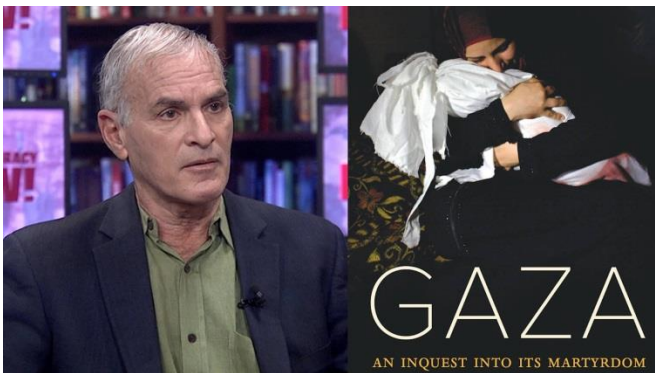
الکرد با افشاگری و انتشار گزارش‌های میدانی از جنایات رژیم اشغالگر، صدای مظلومیت مردم فلسطین را به گوش جهانیان رسانده است. وی در عین حمایت از فلسطین، مواضع ضد مقاومت اسلامی داشته است. محمدکه با حمایت USAID در آمریکا ساکن شده، حامی ارزش‌های طیف «پروگرسو» همچون دفاع از «هم‌جنس‌گرایی» در میان فلسطینیان است (al Qaws Organization)



تصویر ۱: محمد و منی الکرد، فعالان فلسطینی

۸. نورمن فینکلشتاین

نورمن فینکلشتاین^۱ یک نویسنده، استاد دانشگاه و منتقد سرسخت سیاست‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل نسبت به فلسطینیان است. او یک یهودی آمریکایی متولد نیویورک است که پدر و مادرش از بازماندگان اردوگاه‌های نازی بودند. وی در دانشگاه استاد مطالعات سیاسی بوده و کتاب‌هایی مانند «صنعت هولوکاست» و «صهیونیسم: جنایت ایدئولوژیک» را نوشته است. نورمن از منتقدان جدی اشغالگری اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی و سیاست‌های این رژیم علیه فلسطینیان است و معتقد است که اسرائیل با سوءاستفاده از رنج یهودیان در هولوکاست، فلسطینیان را قربانی کرده و مرتکب جنایات جنگی می‌شود. او حامی حقوق مردم فلسطین و راه‌حل دودولتی و تشکیل کشور مستقل فلسطین در کنار اسرائیل است. دانشگاه‌های مختلف به دلیل مواضع انتقادی او، از تمدید قرارداد استادی‌اش خودداری کرده‌اند. نورمن توسط گروه‌های صهیونیستی به نفرت پراکنی و انکار هولوکاست متهم شده که او این اتهامات را رد می‌کند. فینکلشتاین با دیدگاه‌های تند و رادیکال خود در انتقاد از سیاست‌های اشغالگرانه اسرائیل، به یکی از چهره‌های جنجالی و پرحاشیه در این زمینه تبدیل شده است.



تصویر ۱۱: دکتر نورمن فینکلشتاین، نویسنده و استاد حامی فلسطین

۱. Norman Finkelstein

۹. ولید شهید

ولید شهید^۱ یک فعال و استراتژیست پروگرسو مسلمان در ایالات متحده است که از نوجوانی به سیاست و فعالیت‌های اجتماعی علاقه داشته است. او از سال ۲۰۱۷ تا اوایل ۲۰۲۳ به‌عنوان مدیر ارتباطات در گروه «عدالت دموکرات‌ها» فعالیت می‌کرد و شاهد صعود سریع الکساندریا اوکازیو-کورتز بود. پس از جدایی از این گروه، شهید به جنبش «رأی بی‌طرف» در میشیگان پیوست که هدف آن اصلاح و تغییر در سیستم حزبی آمریکا است. او به‌عنوان کارشناس رسانه، نقش مهمی در ترویج دیدگاه‌های پروگرسو به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی نوین دارد. شهید به‌عنوان یک صدای جوان و تأثیرگذار، همچنان در آگاهی بخشی و جذب طرفداران جنبش پروگرسو نقش فعال دارد.



تصویر ۱۲: ولید شهید، فعال پروگرسو آمریکایی

۱. Waleed Shahid



تصویر ۱۳: ولید شهید و الکساندر یا اوکاز-یو-کورتز در مقابل دفتر جدید اوکاز-یو در حزب دموکرات

۱۰. برنی سندرز

برنی سندرز^۱ یکی از چهره‌های سرشناس و تأثیرگذار جناح چپ و پروگرسو در آمریکا است و او را حتی رهبر طیف «پروگرسو» در حزب دموکرات می‌دانند. سندرز سناتور ایالت ورمونت از حزب دموکرات است اما خود را یک سوسیالیست دموکرات می‌نامد. در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ دموکرات‌ها یکی از نامزدهای اصلی بود اما در نهایت شکست خورد. او از حامیان سیاست‌های چپ‌گرایانه مانند بیمه درمانی همگانی، افزایش حداقل دستمزد، مالیات بر ثروتمندان و کنترل شرکت‌های بزرگ است. وی معتقد به مقابله جدی با تغییرات آب و هوایی، کاهش نابرابری و حمایت از اقلیت‌ها و طبقه کارگر است. سندرز به ایده سوسیالیسم دموکراتیک اعتقاد دارد که در آن دولت نقش بیشتری در اقتصاد و رفاه عمومی دارد و در مقابل از منتقدان شدید سیاست‌های نئولیبرالی، جنگ‌افروزی آمریکا و قدرت نامتناسب شرکت‌های بزرگ است. او با شعارهای «انقلاب سیاسی» و «برای اکثریت کارگر»، به یکی از نمادهای

۱. Bernie Sanders

مبارزه چپ معاصر آمریکا بدل شد و توانست محبوبیت زیادی در میان لیبرال‌های جوان و کارگران به دست آورد.



تصویر ۱۴: برنی سندرز، رهبر جریان پروگرسو

با وجود آنکه وی در اعتراضات اخیر شرکت نکرده است، ولی با سخنرانی چندباره در حمایت از متحصنین در روزهای اولیه اعتراضات، جایگاه خود را به‌عنوان رهبر سیاسی و چهره جریان معترض، تثبیت کرد.



تصویر ۱۵: برنی سندرز در جمع هواداران خود

همه چهره‌هایی که مرور ایشان گذشت، به‌استثناء Norman Finkelstein، از چهره‌های شاخص طیف «پروگرسو» هستند. طیف مزبور، که حامی ارزش‌هایی همچون اقتصاد سوسیالیست، تکثرگرایی، لیبرالیسم فرهنگی، فمینیسم، LGBT و حقوق مهاجرین و اقلیت‌های مذهبی است، عملاً نماینده نسل جوان حزب دموکرات است. پروگرسو یا پیشرو (Progressive Democrats of America) یک جریان سیاسی-اجتماعی در جوامع غربی به‌ویژه آمریکا است که خواهان تغییرات و اصلاحات گسترده در راستای عدالت اجتماعی، برابری و حقوق شهروندی است. اصول و مواضع اصلی جریان پروگرسو عبارت‌اند از:

- گسترش خدمات رفاهی و بیمه درمانی همگانی؛
- افزایش مالیات بر ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ؛
- حمایت از حقوق زنان، اقلیت‌ها، مهاجران و اقشار آسیب‌پذیر؛
- مقابله جدی با تغییرات اقلیمی و حمایت از انرژی‌های پاک؛
- کاهش نابرابری‌های اقتصادی و فرصت‌های برابر برای همه؛
- برابری نژادی و مبارزه با تبعیض سیستماتیک؛
- محدودیت نفوذ بیش‌ازحد شرکت‌های بزرگ در سیاست؛
- حمایت از LGBTQ+.

جریان پروگرسو در حزب دموکرات آمریکا بسیار فعال است. در مجموع، پروگرسوها خواهان بازتوزیع ثروت، گسترش دولت رفاه، تساوی فرصت‌ها و مقابله با نابرابری‌های ساختاری در جامعه آمریکا هستند. چهره‌های شاخص آن چون برنی سندرز، الکساندریا اوکازیو-کورتز، ایلهان عمر، رشیده طلیب و جمال باومن هستند. مخالفان اصلی پروگرسوها، محافظه‌کاران و راست افراطی، شرکت‌های بزرگ، نتولیبرال‌ها و بخشی از میانه‌روهای حزب دموکرات می‌باشند که با برخی خواسته‌های رادیکال این جریان مخالفت می‌کنند. علاوه بر شخصیت‌های جمهوری‌خواه، برخی از اعضای حزب دموکرات نیز در اعتراضات اخیر به نسل‌کشی غزه و خیزش دانشگاه‌های آمریکا، این افراد و جریان پروگرسو را محکوم کرده و این اقدامات را یهودستیزی خوانده‌اند.

گروه‌های سازمان‌دهنده اصلی تحصن

فهرست زیر نیز شامل ۵ سازمان برگزارکننده اصلی تحصن دانشگاه کلمبیا است که نقش مبدأ و رهبر انتشار اعتراضات در دیگر دانشگاه‌های آمریکا را نیز ایفا کرده‌اند.

۱. گروه دانشجویان برای عدالت در فلسطین



تصویر ۱۶: آرم گروه دانشجویان برای عدالت در فلسطین

دانشجویان برای عدالت در فلسطین^۱ یک سازمان دانشجویی فعال در دانشگاه‌های آمریکا و سایر نقاط جهان است که از حقوق ملت فلسطین حمایت می‌کند. این گروه در اعتراض به اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل و نقض حقوق بشر فلسطینیان فعالیت می‌کند.

برخی از اقدامات و فعالیت‌های مهم SJP عبارت‌اند از:

۱. برگزاری تظاهرات، راهپیمایی‌ها و کمپین‌های اعتراضی در حمایت از آزادی فلسطین در دانشگاه‌ها؛
۲. افشاگری در مورد نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی و جنایات جنگی اسرائیل؛
۳. تلاش برای لغو قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های دانشگاه‌ها با شرکت‌های حامی اشغالگری اسرائیل (BDS)؛
۴. آموزش و اطلاع‌رسانی درباره تاریخچه مناقشه فلسطین-اسرائیل در میان دانشجویان؛
۵. پشتیبانی از فعالان و دانشجویان فلسطینی در برابر سرکوب و آزار.

۱. Students for Justice in Palestine (SJP)

SJP یکی از پرچم‌داران جنبش تحریم، خروج سرمایه و عدم همکاری با اسرائیل (BDS) در آمریکاست و نقش مهمی در آگاهی‌بخشی درباره مسئله فلسطین در محیط‌های دانشگاهی دارد.

۲. گروه CUAD دانشگاه کلمبیا



COLUMBIA UNIVERSITY APARTHEID DIVEST

تصویر ۱۷: آرم گروه CUAD دانشگاه کلمبیا

CUAD^۱ یک گروه دانشجویی در دانشگاه کلمبیا است که از جنبش تحریم، خروج سرمایه و عدم همکاری با اسرائیل (BDS) حمایت می‌کند. اهداف و فعالیت‌های اصلی CUAD عبارت‌اند از:

۱. تشویق دانشگاه کلمبیا به خاتمه دادن به هرگونه سرمایه‌گذاری و قرارداد با شرکت‌ها و نهادهایی که از اشغالگری اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی حمایت می‌کنند؛
۲. آگاهی‌بخشی در مورد نقض حقوق بشر فلسطینیان توسط رژیم اشغالگر اسرائیل و سیاست‌های نژادپرستانه آپارتاید اسرائیل؛
۳. برگزاری تجمعات، سخنرانی‌ها و رویدادهای آموزشی در حمایت از آزادی و حقوق ملت فلسطین در محوطه دانشگاه؛
۴. همکاری با سایر گروه‌های دانشجویی ضد اشغالگری و حقوق بشر در داخل و خارج از دانشگاه کلمبیا؛
۵. فشار بر مقامات دانشگاه برای اتخاذ سیاست‌های اخلاقی و حمایت از تحریم و محکومیت رژیم اشغالگر اسرائیل.

CUAD بخشی از جنبش گسترده‌تر دانشجویان فلسطینی و فعالان حقوق بشر در دانشگاه‌های آمریکاست که برای پایان دادن به اشغالگری اسرائیل و رسیدن به عدالت برای مردم فلسطین مبارزه می‌کنند.

۱. Columbia University Apartheid Divest (CUAD)

۳. سازمان مردم‌نهاد WOL



تصویر ۱۸: آرم سازمان مردم‌نهاد WOL

WOL^۱ یک سازمان مردم‌نهاد و غیرانتفاعی است که برای پایان دادن به اشغالگری اسرائیل و تحقق حقوق مردم فلسطین فعالیت می‌کند. اهداف و ویژگی‌های WOL عبارت‌اند از:

۱. تلاش برای یک راه‌حل عادلانه و پایدار برای مناقشه فلسطین-اسرائیل بر اساس قوانین بین‌المللی؛
۲. حمایت از حق بازگشت آوارگان فلسطینی و تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی؛
۳. مخالفت با سیاست‌های تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه اسرائیل علیه فلسطینیان؛
۴. برگزاری تظاهرات، کمپین‌ها و اقدامات آگاهی‌بخشی برای جلب حمایت افکار عمومی؛
۵. سازمان‌دهی گروه‌ها و سخنرانی‌ها در دانشگاه‌ها و محافل مختلف.

۴. صدای یهودیان برای صلح



تصویر ۱۹: آرم گروه مردم‌نهاد صدای یهودیان برای صلح

۱. Within our Lifetime

صدای یهودیان برای صلح^۱ یک گروه مردم‌نهاد یهودی‌آمریکایی است که از حقوق بشر و آزادی فلسطینیان حمایت می‌کند. هدف آن خاتمه دادن به اشغالگری اسرائیل و تحقق راه‌حل دو کشور است. این گروه با سیاست‌های نتانیا‌هو و شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی مخالف است و برای اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز اسرائیل علیه فلسطینیان تلاش می‌کند. همچنین این گروه اقدامات تحریم، اعتراضات و کمپین‌های آگاهی‌بخشی را سازمان‌دهی می‌نماید. بسیاری از اعضای JVP یهودیان صلح‌طلب ضد اشغالگری هستند.

۵. ائتلاف مردمی وستچستر برای اقدام

ائتلاف مردمی وستچستر برای اقدام^۲ (WESPAC) از سال ۱۹۷۳ فعالیت دارد و از جنبش‌های صلح و عدالت اجتماعی در نیویورک حمایت می‌کند. اهداف آن عبارت‌اند از:

۱. مخالفت با جنگ‌های خارجی و حضور نظامی آمریکا در سایر کشورها؛
۲. جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای و حمایت از خلع سلاح؛
۳. حمایت از حقوق مهاجران، زنان، کارگران و محیط‌زیست؛
۴. برگزاری تظاهرات صلح‌آمیز و اعتراضات علیه نژادپرستی و نابرابری؛
۵. آموزش و آگاهی‌بخشی در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی.

WESPAC از جنبش‌های پروگرسو مانند جنبش ضد اشغالگری فلسطین حمایت می‌کند. این گروه‌ها اشتراکات زیادی دارند و همگی برای عدالت اجتماعی، صلح و حقوق بشر در سطح جهانی مبارزه می‌کنند اما یک ویژگی خاص در میان همه آنها است که کمتر به چشم می‌آید:

همه این مؤسسات، با یک یا دو واسطه، از بنیاد راکفلر و بنیاد متعلق به جرج سوروس تأمین مالی می‌شوند.

بنیاد راکفلر و بنیاد مالی جرج سوروس، هر دو از پیشران‌های اصلی انتشار ارزش‌های پروگرسو در آمریکا شمرده می‌شوند و نقش عمده‌ای در تأمین مالی فعالین و سمن‌های فعال در این زمینه داشته‌اند. این بنیادها نقش برجسته‌ای در جهت‌دهی به مطالبات طبقه کارگر در

۱. Jewish Voice for Peace

۲. Westchester People's Action Coalition

جنبش اشغال وال استریت (Occupy Wall Street)، سال ۲۰۱۱، در انتخابات ۲۰۱۲، در تغییر مسیر مطالبات قشر سیاه‌پوست در جنبش سیاه‌پوستان (Black Lives Matter)، سال ۲۰۱۵، در انتخابات سال ۲۰۱۶، همچنین مطالبات اقلیت‌های نژادی در موج دوم اعتراضات مدنی Black Lives Matter در انتخابات سال ۲۰۲۰ به نفع نامزد دموکرات داشته‌اند.

یافته‌هایی که ارائه شد، خلاصه نتیجه بررسی‌های تفصیلی حول نحوه شروع و گسترش تحصن دانشگاهی حامی فلسطین در آمریکاست. چنانچه از یافته‌ها مشخص است، شروع و هدایت اعتراضات اخیر کاملاً به دست طیف «پروگرسو» حزب دموکرات بوده است. نقش اولیه و محوری سمن‌های تأمین‌شده توسط بنیاد راکفلر و سوروس، فرضیه صادره تحصن را تا حدودی مخدوش می‌کند و نشان‌دهنده ماهیت «پروگرسو» آن از آغاز است. مرور الگوی اعتراضات و تنش‌های اجتماعی آمریکا، از انتخابات سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰، نشان می‌دهد که چطور طیف پروگرسو از مطالبات اقلیت مستضعف آمریکایی برای مهندسی اجتماعی و اهداف سیاسی استفاده کرده است. تحصن‌های اخیر نیز، از همه جهت، تابع الگو مهندسی اجتماعی سال‌های گذشته نیروهای مرتبط به حزب دموکرات - خصوصاً در ماه‌های منتهی به انتخابات - است. لازم به ذکر است که بررسی حامیان اصلی تحصن دانشگاهی آمریکا در فضای مجازی نیز یافته‌های موجود را تأیید می‌کند و نشان از رهبری و ایفای نقش عمده طیف پروگرسو دارد؛ طیفی که در عین «حمایت از فلسطین»، حامی طرح «دو دولت» و به شدت مخالف حماس، مقاومت اسلامی و ایران است.

درواقع حزب دموکرات، با سخنرانی جنجالی چاک شومر، رهبر یهودی و صهیونیست حزب دموکرات در سنا ضد جنگ اسرائیل در غزه در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۲۴^۱، نشان داد که حزب دموکرات به این نتیجه رسیده است که سیاست‌های راست‌گرایانه و جنگ‌طلبانه دولت نتانیاهو دیگر برای همراهی افکار عمومی داخل آمریکا، قابل تحمل نیست. چند روز بعد از این سخنرانی بود که الکساندریا کورتز، نماینده «پروگرسو» نیویورک در کنگره، با «نسل‌کشی^۲» خواندن جنگ اسرائیل در غزه، از یکی از خطوط قرمز گفتمان سیاسی آمریکا در مورد اسرائیل گذر کرد.^۳ این‌گونه ابراز نظرهای حساس، معمولاً نشان‌دهنده نوعی تعمد و تغییر سیاست حزبی است و نشان از اراده حزب دموکرات برای فشار جدی بر نتانیاهو و افزایش اهرم‌های سیاسی بایدن دارد.

۱. <https://www.aljazeera.com/news/2024/3/14/us-senate-leader-chuck-schumer-calls-for-new-israel-elections-amid-gaza-war>

۲. Genocida

۳. <https://www.theguardian.com/us-news/2024/mar/23/alexandria-ocasio-cortez-israel-gaza-campaign-unfolding-genocide>

طیف دموکرات، دولت نتانیاهو را مقصر اصلی شکست طرح «دو دولت» می‌داند و تحسن‌های انجام‌شده به‌صورت کلی در همین چارچوب، به نقد اسرائیل پرداخته است.

ممکن است جایگاه مکتبی مسئله فلسطین برای بعضی تحلیل‌گران ایرانی، پذیرش رهبری تحسن توسط طیف ضد مقاومت پروگرسو حزب دموکرات را دشوار کند. این در حالی است که نظام حکمرانی فرهنگی نئولیبرال آمریکا، برخلاف ایران، فاقد اصول ذاتی است و ماهیت به‌شدت منعطفی دارد. نظام حکمرانی فرهنگی نئولیبرال، عرصه فرهنگ را همچون یک «بازار» بزرگ می‌بیند و امنیت خود را در مدیریت عرضه و تقاضای این بازار می‌داند. در چنین نظامی، کنترل جریان عرضه و تقاضای مصرف فرهنگی، ولو فرهنگ ضد هنجار، اصلی‌ترین راه برای مهار تنش‌های سیاسی و تهدیدات فرهنگی است.^۱ خود سوروس، در نظریه «Reflexivity» اقتصاد نئولیبرال خود، تلویحاً به جایگاه و ماهیت ابزاری منازعات فرهنگی در بازارگردانی سیاسی و اقتصادی اشاره می‌کند.^۲

بنابراین، هرچند پس از عملیات طوفان‌الاقصی و حمله اسرائیل به غزه، شاهد حمایت بیش‌ازپیش جهانی از غزه هستیم، شکل‌گیری و هدایت تحسن‌های دانشجویی در آمریکا از جهت اقتصاد سیاسی و نیروی انسانی، پدیده‌ای کاملاً منطبق با سازوکار مهندسی اجتماعی در نظام حکمرانی نئولیبرال آمریکاست. طبق تجربیات گذشته، خصوصاً ماه‌های منتهی به انتخابات یک دهه اخیر آمریکا، این‌گونه فعالیت‌ها تلاش دارد مطالبات حقیقی و مردمی را ذیل چارچوب موردپذیرش طیف «پروگرسو»، که همان نسل جوان حزب دموکرات است، سازمان‌دهی کند. ضدیت با مقاومت اسلامی و حمایت از راهکار «دو دولت»، از اصول این جریان در مواجهه با مسئله فلسطین است.

متأسفانه در ایران، شاهد غفلت از تفکیک بین دو جریان هستیم: جریان کلی و بلندمدت مردمی حامی فلسطین از یک‌سو و جریان مهندسی اجتماعی شده تحسن‌های دانشگاهی به رهبری طیف «پروگرسو» از سوی دیگر. جریان دوم، در واقع تلاشی برای مهار دست‌آوردهای جریان اول و مقاومت منطقه است به نفع سیاست‌های حزب دموکرات آمریکاست. در سال‌های گذشته نیز شاهد آن بودیم که بعضی با تحلیل ناقص تحولات آمریکا، بعضی جریانات همچون Black Lives Matter را نشانه تضعیف حقیقی آمریکا می‌دانستند. این در حالی است که

۱. Valentine, Jeremy (۲۰۱۸). "Cultural governance and cultural policy, Hegemonic myth and political logics" in The Routledge Handbook of Global Cultural Studies edited by Victoria Durrer, Toby Miller and Dave O'Brien, "۱۶۴-۱۷۸" UK: Routledge

۲. Soros, George (۲۰۱۵). The Alchemy of Finance. US: Wiley

بسیاری از فعالین سیاه‌پوست معتقد هستند که اعتراضات BLM، در واقع تلاشی برای مهار مطالبات به‌حق سیاه‌پوستان آمریکا به نفع حزب دموکرات بوده است.

دیاسپورای فلسطینی

فلسطینی‌تباران آمریکا، جمعیتی حدود ۲۰۰ هزار نفری را شامل می‌شوند؛ البته این عدد بیان‌گر افرادی است که خود را فلسطینی یا فلسطینی‌تبار می‌دانند. برآوردی که از تعداد واقعی فلسطینی‌تباران آمریکایی وجود دارد، بعضاً تا ۳۰۰ هزار نفر نیز می‌رسد. هرچند جامعه فلسطینی در سال‌های اول قرن گذشته و همزمان با اولین موج آوارگی و مهاجرت، در بافتار آمریکایی انکار می‌شدند، اما امروزه تعیین هویتی قوی‌تری یافته‌اند. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که نسل جدید فلسطینیان دیاسپورا بیش از نسل گذشته خود را فلسطینی می‌دانند. این تحول در سایه رشد ارتباطات و فناوری‌های جدید رخ نموده است. فلسطینی‌های نسل جدید، از خلال ارتباطات مجازی، به تجربه‌ای نزدیک‌تر از پدران و مادرانشان، از فلسطین و سرزمین مادری دست یافته‌اند. به بیانی دیگر شاید پدر و مادر فلسطینی هیچ‌گاه روستای اجدادی خود را ندیده باشند و زیستار فرهنگی آن منطقه را تجربه نکرده‌اند، اما فرزندان‌شان از خلال شبکه‌های اجتماعی با نسل بازمانده در آن روستا ارتباط می‌گیرند، از طریق لایو و در پیچه اینستاگرام در مراسم‌ها، رقص‌ها، عروسی‌ها و شب‌نشینی‌های روستای اجدادی شرکت می‌کنند و در نهایت به واسطه گفتگوهای متعارض و هم‌افزا، تصویری انباشتی از هویت فلسطینی در ذهن‌شان شکل می‌گیرد و از همین رهگذر، بیش از پدران، خود را فلسطینی می‌انگارند.

دیاسپورای فلسطینی عمدتاً در شهرهای نیویورک، هیوستون، شیکاگو، لس‌آنجلس و دیترویت حضور دارند و در سال‌های اخیر حضور فعال‌تری در صنعت فرهنگ و جهان سیاست داشته‌اند. معروف‌ترین سلبریتی‌های فلسطینی‌تبار آمریکایی، خانواده حدید هستند. آلانا، بلا و جی‌جی حدید، فرزندان محمد حدید، سرمایه‌دار و برج‌ساز معروف آمریکایی با تبار فلسطینی، هستند که از چهره‌های فعال صنعت فیلم، مد و فشن و سلبریتی‌های معروف آمریکایی به شمار می‌روند. بر خلاف بافتار غالب در صنعت سرگرمی آمریکا، خانواده حدید مواضع روشنی در قبال مساله فلسطین اتخاذ کرده‌اند، هرچند در چارچوب‌های ایده دو دولتی فعالیت می‌کنند. با این حال ابراز هویتی حدیدها در میانه گردونه سرگرمی آمریکایی، از سویی پیشران رویت‌پذیری فلسطینی‌ها در لایه‌های جامعه آمریکایی شده و از سویی دیگر واکنش منفی از سوی غول‌های تجارت مد و تصویر را برانگیخته است.



تصویر ۲۰: خواهران فلسطینی آمریکایی حدید: بلا، جی جی، ماریل و آنا

بلا حدید که سوپرمدلی شهیر است، در ۷ ماه گذشته فعالانه نسبت به جنایات غزه واکنش نشان داده و با تکیه بر دنبال‌کنندگان بسیار زیاد خود در فضای مجازی، درباره فلسطین روشنگری کرده است.



تصویر ۲۱: بلا حدید در تظاهرات حمایت از فلسطین در آمریکا

خواهر او آلانا نیز پس از تحولات غزه، اقدام به تاسیس شرکتی مستقل در صنعت فیلم‌سازی با تمرکز بر تقویت صدای فیلمسازانی که از نظر فرهنگی کمتر در چرخه جهانی صنعت فیلم مورد توجه قرار گرفته‌اند و ایجاد پناهگاهی برای صداهای به حاشیه رانده شده که برای مقاومت خلاقانه تلاش می‌کنند، نموده و هدف خود را آموزش مقاومت در برابر بی‌عدالتی عنوان کرده است. نام این شرکت فیلم‌سازی، واترملون (هندوانه) است که اشاره‌ای به نماد پرچم فلسطین در برابر سانسور صهیونیستی، یعنی هندوانه دارد.



تصویر ۲۲: آلانا حدید، مالک کمپانی فیلم‌سازی واترملون پیکچرز در تجمع حمایت از فلسطین

دیاسپورای فلسطینی پس از حوادث غزه، رویت‌پذیری بیشتری را در فضای آمریکایی تجربه کرده‌اند و با توجه به روند افزایشی حضور دانشجویان فلسطینی‌تبار در دانشگاه‌های آمریکا، نمی‌توان از نقش دیاسپورای فلسطینی در تحریک بدنه دانشجویی آمریکا چشم پوشید. با این حال کماکان دیاسپورای فلسطینی فاقد تشکلی منسجم و جریان‌ساز در دانشگاه‌های آمریکاست.

مسلمانان آمریکایی

مسلمانان هرچند اکنون کمتر از ۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما سرعت رشد بالایی دارند و برخی پیش‌بینی‌های آماري نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۴۰، جمعیت مسلمانان

از یهودیان در آمریکا پیشی خواهد گرفت و تبدیل به دین دوم آمریکا خواهد شد. در حال حاضر بیش از ۳۲۰۰ مسجد در آمریکا وجود دارد که ۷۰ درصد از این تعداد، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر تاسیس شده است. مواجهه دیاسپورای مسلمانان با مساله فلسطین البته یکسان نیست. برخی از مسلمانان آمریکا آشکارا مروج نگاه صهیونیستی هستند، برخی دیگر باورمندان جدی به ارزش‌های آمریکایی و بخش قابل اعتنایی از ایشان، بخشی از سید رای جریان دموکرات و پروگرسو دموکرات. جدیدترین داده‌های نگرش‌سنجی مسلمانان آمریکایی در ۳ ماه گذشته توسط پیو نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۰ درصد از مسلمانان آمریکایی، نگاه مثبتی نسبت به حماس دارند، در حالی که تنها ۱۰ درصد از مسلمانان آمریکا نگاه مساعدی به اسرائیل دارند. از سوی دیگر ۶۰ درصد از جمعیت مسلمان آمریکا بر این باورند که بایدن بیش از حد از اسرائیل حمایت می‌کند؛ این در حالی‌ست که ۶۶ درصد از مسلمانان کماکان جزو رای‌دهندگان به دموکرات‌ها هستند، با این حال تنها ۳۶ درصد از آن‌ها به بایدن نگاه مثبت دارند. از سویی دیگر ۶۵ درصد از مسلمانان مخالف کمک نظامی آمریکا به اسرائیل هستند. مساله مهم دیگر میزان بالای همدردی مسلمانان آمریکایی با فلسطینی‌هاست. ۶۴ درصد از آن‌ها با فلسطینی‌ها همدردی به میزان بالا دارند و ۳۲ درصد نیز همزمان نسبت به فلسطینی‌ها و چیزی که مردم اسرائیل خوانده می‌شود، همزمان همدردی می‌کنند. افزایش ترس در جامعه مسلمان آمریکا نیز از تبعات جنگ اخیر است. ۷۰ درصد از مسلمانان آمریکا معتقدند که تبعیض علیه مسلمانان از زمان جنگ ۷ اکتبر، بیشتر شده است و ۵۳ درصد نیز از شنیدن اخبار اخیر فلسطین احساس ترس دارند. با این حال از هر ۱۰ مسلمان آمریکایی، ۴ نفر فعالانه و با دقت اخبار تحولات فلسطین را دنبال می‌کنند؛ این عدد در مقایسه با جامعه آمریکا عددی بالاست ولی در نسبت با یهودیان آمریکایی، پایین‌تر است. از هر ۱۰ یهودی آمریکایی، ۶ نفر اخبار جنگ فلسطین را فعالانه دنبال می‌کنند.



تصویر ۲۳: مسلمانان آمریکایی

بی‌شک جمعیت مسلمانان آمریکا نقشی مهم در شعله‌ور شدن آتش اعتراضات ضدجنگ و ضداسرائیلی در آمریکا دارد. با این حال کماکان روح محافظه‌کاری غلبه دارد، اما قابل انکار نیست که در نسل جوان‌تر و حتی نوجوانان مسلمان آمریکایی، هویت‌خواهی در سال‌های اخیر رشد قابل‌اعتنایی کرده و به نظر می‌رسد تحولات غزه نیز در افزایش این روند تاثیر به‌سزایی داشته است. مسلمانان آمریکایی می‌توانند تا کمتر از ۴۰ سال دیگر، جمعیتی بیش از یهودیان داشته باشند و از سویی دیگر رشد توان‌مندی اقتصادی و حتی جدی‌تر شدن لابی‌های منطقه‌ای، منجر به نقش‌آفرینی فعال‌تری نسبت به گذشته شده و همین مساله توجه سیاست‌گذاران آمریکایی را به خود جلب کرده است.



تصویر ۲۴: دانشجویان مسلمان در دانشگاه جورج واشنگتن در حاشیه اعتراضات ضداسرائیلی

نکته دیگری که باید توجه کرد، نقش تبار عربی بخش مهمی از مسلمانان است. بخش مهمی از کنش‌های جمعی مسلمانان آمریکایی نه برآمده از ایده‌های اسلامی، که مبتنی بر هویت عربی است.

در اعتراضات دانشجویی اخیر نیز دانشجویان مسلمان و عرب‌تبار بدنه اصلی اعتراضات میدانی را شکل داده‌اند؛ البته فقدان تشکل‌های منسجم، گسترده و قدرتمند دانشجویی در بین مسلمانان باعث شده تا در لایه راهبری تحصن‌ها، نقش‌آفرینی منفعلانه‌ای داشته باشند.

دانشجویان خاورمیانه‌ای

هم‌اکنون بیش از ۶۰ هزار دانشجوی خاورمیانه‌ای در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند. عمده این دانشجویان عرب هستند و بخش قابل‌اعتنایی از آن‌ها، تنها به واسطه ادامه تحصیل به آمریکا آمده‌اند. به بیانی دیگر با دانشجویانی روبرو هستیم که از فضای عربی خاورمیانه، مستقیماً وارد فضای آکادمی آمریکایی شده است و هنوز نه آنقدر آمریکایی هستند و نه زیاد از سرزمین مادری خود فاصله گرفته‌اند. این دانشجویان عرب واسطه‌های شناختی بی‌واسطه‌ای برای نزدیک‌تر شدن دیگران به ریتم زندگی در خاورمیانه هستند. بخشی از این تازه‌مهاجران می‌توانند بسیاری از کلیشه‌های ذهن استعماری نسبت به عرب‌ها را دچار تردید کنند و به دلیل هم‌آوایی بالا با ریشه‌های عربی خود و ارتباط مستمر با کشورشان، بیشتر و پیشتر از دیگران در جریان تحولات منطقه قرار دارند و تسهیل‌گر شناخت بهتر هم‌کلاسی‌هایشان از خاورمیانه باشند. این دانشجویان نیز در جریان اعتراضات اخیر در میدان تحصن‌ها رویت شده‌اند؛ هرچند این حضور بدون ساماندهی مشخص و بیشتر بر پایه احساسات درون‌جوش بوده است.

البته این نکته را نیز نباید از نظر دور نگه داشت که بخشی از دانشجویان خاورمیانه‌ای از جمله عدد قابل‌اعتنایی از دانشجویان ایرانی، سعودی، عراقی و اماراتی از قضا در زمره اخلاص‌گران شناختی از انسان خاورمیانه‌ای قرار دارند و بازتولیدکننده و موید طحوره‌های استعماری از خاورمیانه هستند. همچنین بخشی از دانشجویان ایرانی جزو کمپین میدانی اسرائیل در دانشگاه‌های آمریکا و در نقش پیاده‌نظام تجمعات حمایت از رژیم صهیونیستی هستند.

چپ‌های محور مقاومتی

چپ‌های محور مقاومتی بیشتر نامی است که رسانه‌های جریان اصلی بر روی گروهی از فعالان چپ و مارکسیستِ ضدامپریالیست حامی کشورهای چپ ایران، سوریه، کره شمالی و چین گذاشته‌اند. هرچند تنوع این گروه‌ها بسیار زیاد است، برخی مشخصاً وابسته به روسیه هستند، برخی از چین مایه می‌گیرند و برخی از این گروه‌ها نیز با واسطه به ایران نزدیک هستند. در جریان اعتراضات دانشجویی اخیر در آمریکا نیز نام برخی از این گروه‌ها از سوی رسانه‌های نزدیک به لابی صهیونیستی شنیده شد. اصرار رسانه‌های صهیونیستی بر نام بردن از گروه‌هایی همچون پلتفرم صامدون، شبکه‌ای از حامیان فلسطین در جهان، بیش از آن‌که بیانگر وزن واقعی این گروه‌ها در شکل‌دهی به اعتراضات باشد، از میل جریان خبری صهیونیستی به یافتن ریشه خارجی برای اعتراضات آمریکا نضح می‌گیرد.



تصویر ۲۵: صامدون، شبکه فعالان حامی فلسطین در جهان

اساسا هدف اصلی در پیرنگ کردن نقش چپ‌های محور مقاومتی، کشاندن پای دخالت‌های ایران به خیزش دانشجویی در آمریکا و تبدیل آن به مسأله‌ای امنیتی است. با این حال نمی‌تواند نقش این گروه‌ها را از اساس منکر شد؛ هرچند وزن میدانی اندکی دارند. گروه‌های ضدامپریالیست دانشجویی با وجود عده اندک، اما قدرت بسیج‌شوندگی بالایی دارند. روسیه در سال‌های اخیر استفاده زیادی از این گروه‌ها در بستر اروپا و آمریکا کرده است، اما علی‌رغم ظرفیت‌های قابل اعتنای ایران در این بافتار، سیاست منسجمی برای سازماندهی این گروه‌ها وجود نداشته است.

شبکه ارتباطی حماس

رشد عقلانیت جنبش مقاومت اسلامی حماس در یک‌دهه گذشته و برنامه‌ریزی هوشمندانه، همه‌جانبه‌نگر و بلندمدت این جنبش برای مقاومت تمام‌عیار در برابر اسرائیل، امروزه علاوه بر میدان غزه، نتایج خود را در سطح جهانی و سازماندهی بخشی از اعتراضات ضداسرائیلی در دنیا نشان داده است. حماس با آینده‌نگری توانست در این سال‌ها از پوسته یک جنبش اخوانی خارج شده و با بازآرایی برند خود در جهان، به الگویی از تعامل و گفتگو با انسان غربی دست یابد. حماس در دهه اخیر با استفاده از ظرفیت دانشجویان، مبلغان مذهبی و فعالان مدنی، توانسته

شبکه‌ای تبلیغی برای خود در جهان ساخته و از این رهگذر فشار بر ساختارهای صهیونیستی غرب را از دل شهرهای اروپایی و آمریکایی پی بگیرد. بی‌شک بخشی از سازماندهی اعتراضات مدنی در اروپا و آمریکا در ۷ ماه گذشته، بر عهده شبکه هوشمند نیروهای حماس است که در نوع خود نمونه‌ای موفق از تشکیلات‌سازی فرهنگی و تبلیغی است.

لابی قطری اخوانی

قطر در سال‌های اخیر نقشی دوگانه و خاص در معادله فلسطینی ایفا کرده است. الجزیره هم‌اکنون مهم‌ترین رسانه بازتاب‌دهنده اخبار مقاومت فلسطینی در جهان است؛ پیام‌های جنبش‌های مقاومت اولین بار از این شبکه پخش می‌شود و حتی حزب‌الله لبنان نیز ترجیح می‌دهد اخبار و تصاویر دست‌اول عملیات‌های خود را برای پخش در اختیار این شبکه قطری قرار دهد. اما قطر چگونه چنین پیوند وثیقی با مساله فلسطین یافته است؟ بخشی از پاسخ را باید در روابط قطر و اخوان‌المسلمین جست. قطر برای حفظ تمایز خود از سعودی و امارات و ایستادن در مقابل هژمونی عربستان، نیازمند گفتمانی تمایزبخش بود و با تکیه بر تبار مذهبی خود، تلاش کرد تا با حمایت معنوی و پشتیبانی مالی از اسلامگرایان و اندیشورزان جریان اخوان، راه را بر گسترش نفوذ سعودی و امارات بریندد. قطر با این سیاست هوشمندانه، توانست نفوذی استراتژیک در منطقه و جهان را به دست آورد و گروه‌های مختلف اخوانی در نقش عمق راهبردی قطر، بخش مهمی از دارایی سیاسی و معنوی قطر شدند. البته این رابطه دوجانبه بود، در داخل قطر نیز حضور رهبران و اندیشمندان بزرگ مسلمان نقشی کلیدی در بازسازی نظام آموزشی قطر ایفاء کردند. مهم‌ترین چهره اخوانی حاضر در قطر را باید مرحوم شیخ یوسف قرضاوی دانست. وی که رهبر معنوی اخوان بود، زمینه‌ساز گردآمدن بسیاری از اندیشمندان و علمای در قطر شد. پس از قرضاوی، عباس مدنی، رهبر اسلامگرای الجزائر، راشد الغنوشی، رهبر النهضه تونس و خالد مشعل، از رهبران بزرگ حماس نیز در قطر ساکن شدند و عمدتاً به فعالیت علمی و تربیتی در فضای قطر پرداختند. همچنین قطر میزبان بسیاری از رهبران فلسطینی از دیگر جناح‌ها نیز بوده و چهره‌هایی چون هانی حسن، رفیق شاکر، محمد النجار، کمال عدوان و ... نیز در قطر به امور دانشگاهی اشتغال داشته‌اند.

تاسیس دانشگاه‌های اسلامی و اعطاء بورس‌های تحصیلی در کنار میزبانی از بلندآوازه‌ترین اساتید اسلام‌شناس و شرق‌پژوه، موجب تقویت دیپلماسی علمی و آکادمیک در سیاست خارجی

قطر شد و استفاده توامان از دو بازوی علمی و رسانه‌ای، مشخصاً الجزیره، توانست راهگشای قطر در جهان برای تامین منافع خود باشد.

مرجعیت یافتن قطر در زمینه علمی و رسانه‌ای و بسط نفوذ آکادمیک در فضای آمریکا در کنار تاثیرگذاری عمیق زنجیره رسانه‌های وابسته به قطر، کم‌کم به مرحله‌ای رسید که از وجود یک لابی قطری اخوانی در فضای دانشگاهی آمریکا می‌شد سخن به میان آورد. علاوه بر نفوذ معنوی از خلال اساتید و موسسات پژوهشی، دلارهای قطری نیز نقش مهمی در این فرآیند داشته است. بر اساس بخشی از اسناد مالی افشا شده، قطر از سال ۲۰۰۷، قریب به ۶ میلیارد دلار به ۶۱ دانشگاه آمریکایی از جمله دانشگاه هاروارد، دانشگاه ییل و دانشگاه استنفورد اعطا کرده یا قرارداد بسته است. این کشور همچنین از سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۴۳ میلیون دلار برای لابی‌گری در ایالات متحده هزینه کرده است که تنها در سال ۲۰۲۳ رقمی بیش از ۱۶ میلیون دلار بوده است.

از سویی دیگر رسانه‌های قطری نیز تنها محدود به الجزیره نیست؛ میدل‌ایست‌آی نمونه موفق دیگری از رسانه‌های وابسته به قطر است که در فضای نخبگانی آمریکایی نیز با اقبال مواجه است. به جرات می‌توان گفت بخش مهمی از لایه اساتید شرق‌شناسی و مطالعات اسلامی در آمریکا، با سیاست‌های قطری مرتبط هستند و آنچه لابی قطری اخوانی خوانده می‌شود، در جهت‌دهی به اعتراضات دانشجویی در آمریکا موثر بوده است. این جریان هرچند با جریان پرگرسو هم‌پوشانی‌هایی دارد، اما در نهایت اراده‌ای مستقل به شمار می‌رود.

خرده جریان‌های راست افراطی

برای توصیف آنچه در این بخش «خرده‌جریان‌های راست افراطی» خوانده شده، شاید می‌شد از عبارات مصطلح‌تری همچون راست‌های نئونازی یا راست‌های ضدصهیونیست هم استفاده کرد، هرچند هر کدام از این کلمات کاستی‌هایی در توصیف دارند. این خرده‌جریان‌ها بیشتر شامل ریزش‌های جریان‌های اصلی راست‌گرا در غرب هستند و بخش اصلی بدنه آن‌ها را افرادی تشکیل می‌دهند که پس از ۷ اکتبر سال گذشته تصمیم به فاصله‌گذاری با رژیم صهیونیستی گرفتند. این خرده‌جریان‌ها را می‌توان در پیوستاری از راست نژادپرست و سفیدبرترپندار تا راست مسیحی و مذهبی دسته‌بندی کرد. راست‌های سکولار یا غیرمذهبی، دارای گفتمان قلبی نژادی هستند و سبقه بیشتری در مخالفت با یهودیان به دلایل نژادخواهانه دارند. دسته‌ای از این راست‌گراهای نژادپرست هرچند در پس سال‌ها از

کوکلاسلان‌ها به فعالان به ظاهر مخالف نژادپرستی رسیده‌اند، اما کماکان رگه‌های بسیار پررنگ راسیسم افراطی در مواضع و رویکردهایشان قابل مشاهده است. شاید بتوان استدلال ساده‌شده این افراد در مخالفت با اسرائیل را در عبارت «دشمن مشترکی به نام یهود» خلاصه کرد. یکی از معروف‌ترین چهره‌های این جریان در آمریکا، دیوید دوک است. کسی که همزمان می‌تواند حامی ایران و ترامپ و ضدیهود باشد.



تصویر ۲۶: دیوید دوک، سیاستمدار و فعال راست‌گرای آمریکایی

یکی دیگر از گروه‌های راست‌گرای نئونازی آمریکایی که آشکارا مخالف یهودیان و اسرائیل هستند، حزب عدالت ملی (NJP) است؛ گروهی که مخالفت صریحی با حضور یهودیان در آمریکا و حتی استخدام آن‌ها در نهادهای دولتی کلیدی آمریکایی دارد، و از سوی دیگر قائل به نظریه توطئه یهودیان برای نسل‌کشی سفیدپوستان و برنامه فعال یهودی برای گسترش اباه‌گری در آمریکا است. این حزب یا بهتر بگوییم گروهک نئونازی، عمده فعالیت خود را از طریق فضای مجازی پی می‌گیرد.

یکی از چهره‌های مشهور ضدیهود دیگر آمریکایی، نیک فونتنس است. نیک یک یوتیوبر، پادکستر و فعال فضای مجازی است که به نظرات اسلام‌هراسانه، ضدیهود، ضدهمجنس‌گرایی و مهاجرت‌ستیز خود مشهور است. فونتنس برآیندی از برتری‌طلبی نژادی و راست‌گرایی مذهبی است و یکی از مروجان اصلی نظریات توطئه یهود به شمار می‌رود.



تصویر ۲۷: نیک فوئنتس، راست‌گرای نژادپرست مسیحی

اما احتمالاً یکی از مهمترین تغییر رویه‌ها در پسا طوفان الاقصی در اردوگاه راست مذهبی آمریکا، مورد کندیس اوونز است. کندیس که بیشتر یک چهره رسانه‌ای به شمار می‌رود، سیاهپوست حامی ترامپ، مخالف جنبش BLM، منتقد واکسن و مروج دیدگاه‌های افراطی مسیحی است که پس از طوفان الاقصی، از مجموعه رسانه‌ای راست مسیحی مورد حمایت لابی صهیونیستی خارج شد و در اظهارنظری آشکار بعد از حمله اسرائیل به بیمارستان المعمدانی، وابسته به یک کلیسای مسیحی در غزه، به انتقاد از اسرائیل و یهودیان پرداخت.



تصویر ۲۸: کندیس اوونز، فعال راست‌گرای مسیحی

تحول کلیدی در ۷ ماه گذشته، رویت‌پذیری بیشتر بخشی از مسیحیان راست‌گرای ضدصهیونیست است. این خرده‌جریان‌ها به دلیل اختلافات بنیادین با بدنه فعال میدانی حامی فلسطین در آمریکا که عمدتاً از فعالان چپ و پرگرسبو تشکیل می‌شوند، ظهور میدانی حداقلی دارند، اما در فضای مجازی، تالارهای گفتگو و برنامه‌های زنده آنلاین حضوری پرنرنگ دارند و موج مخالفت با اسرائیل و یهودیان در شبکه‌های اجتماعی آمریکایی را پیش می‌برند. افزون بر جریان‌های ۸ گانه‌ای که مرورشان گذشت، می‌توان از گروه‌های دیگری همچون جنبش‌های حقوق سیاه‌پوستان و یهودیان الترا ارتدکس نیز نام برد که البته وجه نمادین آنها بیش از کارکردهای واقعی میدانی‌شان است و شرح تفصیلی‌شان مجال دیگری می‌طلبد.



تصویر ۲۹: خاخام دیوید وایس، روحانی یهودی ضداسرائیل در آمریکا

ما و اعتراضات دانشجویی در آمریکا

طوفان‌الاقصی ارتقائی شناختی برای مساله فلسطین در جهان بود و بار دیگر نشان داد که فلسطین هنوز هم یک گره گشوده نشده در جهان امروز است؛ فلسطین هست و نمی‌توان آن را انکار کرد. ذهن استعمارزده آمریکایی از پس خوانشی خیرخواهانه از امپریالیسم، اشغال فلسطین در آغاز قرن گذشته توسط بریتانیا و پس از آن تشکیل اسرائیل را امری مشروع تلقی می‌کرد و چنین طرحواره ذهنی برآمده از خوانشی منهای انسان از سرزمین فلسطین بود. به بیانی دیگر آمریکایی‌ها در پی فرآیندی که از قرن ۱۷ شروع شد، به تصویری رومانتیزه،

قدسیت یافته و منهای انسان از فلسطین رسیده بودند. آمریکایی‌ها در انتهای قرن ۱۹ به این باور رسیده بودند که فلسطین، سرزمین مقدس غرب است و در اسارت ترک‌های وحشی قرار دارد و باید برای بازپس‌گیری آن اقدام کرد. همچنین الهیات امپریالیستی در کنار این تصویر ذهنی، مشروعیت استعمار و اشغال سرزمین مقدس و رساندن ساکنین آن به مرزهای انسانیت را تامین می‌کرد. همین بود که افکار عمومی آمریکا که تحت تاثیر پروپاگاندا می‌لنگان مسیحی تیشیری قرار داشت، بیشترین همراهی را با پروژه اشغال فلسطین توسط بریتانیا و در نهایت تاسیس رژیم صهیونیستی ابراز کرد. به واقع تصور آمریکایی از فلسطین، تصویری است که در آن تنها یک مکان مقدس متعلق به انسان سفید مسیحی غربی اصالت دارد و جایگاهی برای انسان‌های دیرپای ساکن در این سرزمین وجود ندارد. آمریکایی‌ها سال‌ها با چنین انگاره انسان‌زدایی‌شده‌ای به فلسطین نگریسته بودند؛ اما طوفان الاقصی فریاد دوباره این انسان‌انکار شده بود. طوفان برآمده از اراده خودبنیاد انسان فلسطینی، بسیاری از چارچوب‌های متصلب پیشین درباره فلسطین را متزلزل کرد و نشانی از یک انسان فعال و نه منفعل بازگشته به خویش‌نشان داشت. تحولات پسا ۷ اکتبر زنگ خطری برای نظام حکمرانی نتولیبرال آمریکا بود. از سویی هزینه گزاف حمایت از اسرائیل را فراروی سیاست‌مداران آمریکایی نهاد و از سویی دیگر خطر روبه رشد آگاهی جامعه آمریکایی از واقعیت‌های فلسطین و تبدیل فلسطین به محوری برای مخالفت با حاکمان آمریکایی را مقابل دیدگان نظام سرمایه‌سالار آمریکا قرار داد. مشکل اینجا بود که دیگر دستگاه تبلیغاتی غرب کارایی لازم را برای کنترل افکار عمومی و احساسات عمومیت یافته در مواجهه با نسل‌کشی غزه نداشت و نظام نتولیبرال آمریکایی باید چاره‌ای دیگر می‌اندیشید. در چنین بافتاری مکانیسم مهندسی اجتماعی اعتراضات به یاری آمریکا آمده و تلاشی هدفمند و متمرکز برای فائق آمدن بر دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی مقاومت فلسطینی و به بیانی دیگر محور مقاومت در جامعه آمریکایی و غرب به کار بسته شده است. به تعبیری دیگر اعتراضات اخیر را می‌توان دردهای زایمان یک غرب جدید و خطرناک‌تر دانست. باید به این نکته کلیدی توجه کرد که نظام حکمرانی نتولیبرال آمریکایی اساساً ذات‌محور نیست و می‌تواند متناسب با اقتضائات زمانی و موقعیتی، خود را بازآرایی کند؛ امنیت فرهنگی برای آمریکا چیزی شبیه بازار سرمایه و بازی بورسی است. همین است که فردی چون سوروس، زمانی در حمایت از اسرائیل پول خرج می‌کند و امروز اسپانسر بخشی از گروه‌های منتقد اسرائیل شده است. بخشی از بدنه سیاست‌گذرای آمریکایی به این باور رسیده‌اند که دیگر نمی‌توان منکر تبعات جنایات اسرائیل در جامعه آمریکایی شد و لاجرم باید بر خوردی مشابه کنترل و مهندسی جنبش سیاه‌پوستان را با جنبش‌های حامی فلسطین در

آمریکا انجام داد. نقش کلیدی جریان پروگرسو را باید در چنین بستری جست. اعتراضات ضداسرائیلی از همان روزهای اول طوفان الاقصی در غرب آغاز شده بود. بسیاری از این اعتراضات اولیه، توسط گروه‌های ریشه‌دار و قدیمی حامی فلسطین صورت می‌پذیرفت، اما به یک‌باره و در آستانه کمپین انتخاباتی دموکرات‌ها، بخشی از این اعتراضات دانشجویی به شکلی گسترده و ایرال می‌شود و به ناگاه چهره‌هایی خاص رهبری و راهبری جریان اعتراض را در دست می‌گیرند. درحالی که غیرقابل قبول‌ترین عملکرد در مواجهه با تحولات غزه، متعلق به دموکرات‌ها و بایدن است، اما حالا خود همین جناح در رتوریک خود، حمایت از فلسطینی‌ها را آشکارتر کرده است. به بیانی دیگر بخشی از نظام نئولیبرال غربی به دنبال بازتعریف یک هویت پروژه‌ای برای فائق آمدن بر جنبش جهانی حمایت از فلسطین و مهندسی مطالبات و در نهایت کنترل آن است. پروگرسوها چنین نقشی را ایفا می‌کنند.

درحالی که بیداری اجتماعی پس از طوفان الاقصی، نظم حمایت از اسرائیل غرب را به آستانه شکست رسانده، اما فقدان اراده‌ای قدرتمند، همه‌جانبه و جهانی در وارد آوردن ضربه نهایی باعث شده تا غرب از چنین بحرانی برای خود فرصت بسازد و پس از گذشت ۷ ماه از شروع اتفاق بزرگ، این بار به بازسازی ساختارها متناسب با شرایط جدید دست بزند. تصور کنید که نظام نئولیبرال می‌تواند در عین حال که در پیشانی خود سیاه‌پوستان را نشانده، عمیق‌ترین تبعیض‌ها و جنایت‌ها را علیه آن‌ها روا دارد؛ با نخست‌وزیری یک مهاجر، سیاست‌های ضد‌مهاجرت را پیش برد و با شهرداری یک مسلمان، اسلام‌ستیزی را در دستور کار داشته باشد.

علیرغم آن که گروه‌ها و جریان‌های مختلفی در شعله‌کشیدن اعتراضات دانشجویی اخیر در آمریکا موثر بوده‌اند، اما با این حال به نظر می‌رسد در گام اخیر شاهد سواستفاده هوشمندانه جناحی از نظام حکمرانی آمریکایی برای مصادره کلی مطالبات جنبش‌های حامی فلسطین و ترمیم شکاف‌های به‌وجودآمده هستیم. فراموش نکنیم که در جریان جنبش دانشجویی دهه ۶۰ میلادی نیز، برخی از اصلی‌ترین چهره‌های پیشران نظری و میدانی اعتراضات، از قضا مرتبطین با سیا بودند.

اما چرا آمریکا می‌تواند این چنین به مهندسی و مصادره جنبش حمایت از فلسطین دست یابد؟ باید پاسخ را در نبود اراده‌ای هم‌سطح آمریکا و مخالف و رقیب آن جست. این همان جای خالی جمهوری اسلامی ایران و جریان انقلاب اسلامی است که علیرغم درخشش در میدان نظامی، اما هنوز فاصله زیادی با نقش آرمانی خود در لایه فرهنگی و اجتماعی جهانی در این عرصه دارد. ایران ظرفیت‌های ایفای نقش نعل اسبی را در میان جریان‌های مختلف مخالف اسرائیل، که در این گزارش گذشت، داراست. می‌توان به جای نگاه خطی به طیف حامیان

فلسطین، تصویری منحنی و نعل اسبی از این مجموعه داشت؛ منحنی‌ای که در آن از راست تا چپ می‌توانند به نفع راهبردی میانه گرد هم آیند. جمهوری اسلامی توانمندی گردهم‌آوردن بخش مهمی از این جریان‌ها، از منتهی‌الیه راست تا چپ، حول مساله آزادی فلسطین و راهبری گفتمانی کلان‌جریان حمایت از فلسطین را دارد. اما غفلت از این نقش، مشخصاً در لایه آکادمیک، فرهنگی و اجتماعی، و عدم اتخاذ سیاست‌های هوشمند چندگانه موجب شده تا چنین فرصت بی‌نظیری از دست برود. این نکته را نباید از ذهن دور نگه داشت که در ۷ ماه گذشته، تصویر ایران در منطقه و جهان، در میان حامیان فلسطین بهبود یافته و شاهد احیای تصویر ایران در جهان هستیم که بی‌شک ریشه در صداقت راهبردی ایران در حمایت تمام‌قد و مستمر از مقاومت فلسطینی دارد؛ اما ضعف‌های جدی در پیشبرد دیپلماسی گفتمانی جمهوری اسلامی، امکان بهره‌برداری حداکثری از فرصت پیش‌آمده را سلب کرده است. در این زمینه نیازمند بازنگری انقلابی و اساسی به نفع پیشبرد آرمان‌های انقلاب و تثبیت جایگاه جهانی ایران هستیم.

پرواضح است که نمی‌توان به جرات از تکرار چنین فرصت‌هایی در آینده نیز سخن به میان آورد. غرب شروع به بازآرایی ساختارهای اجتماعی خود به منظور کنترل جنبش جهانی حمایت از فلسطین نموده است، اما پرسش اساسی این‌جاست که به راستی آکادمی ایرانی در ۷ ماه گذشته کجای این میدان بوده؟ در بزنگاه بازنگری نظم اندیشگانی و اخلاقی غرب، آیا توان ارائه نسخه بدیل را داشته است؟ اصلاً کدام نظریه‌پرداز ایرانی امکان دیالوگ با دانشجویان آمریکایی را دارد؟ فارغ از کلی‌گویی‌های معلق، نظریه‌ای برای توصیف تحولات ۷ ماهه گذشته فلسطین بر ساخته‌ایم؟ آیا امکان معرفی چهره‌های سخنور جدید را به فضای رسانه‌ای آلترناتیو آمریکایی داریم؟ و ده‌ها پرسش اساسی دیگر از فقدان‌ها و دریغ‌های امروز ما و فلسطین.